

آزار شاول به کلیسا

¹ و شاول در قتل او راضی میبود. ¹ و در آن وقت جفای شدید بر کلیسای اورشلیم عارض گردید، به حدی که همه جز رسولان به نواحی یهودیه و سامره پراکنده شدند. ² و مردان صالح استیφαν را دفن کرده، برای وی ماتم عظیمی برپا داشتند. ³ اما شاول کلیسا را معذب می ساخت و خانه به خانه گشته، مردان و زنان را برکشیده، به زندان می افکند.

بشارت فیلیپس در سامره

⁴ پس آنانی که متفرق شدند، به هر جایی که می رسیدند به کلام بشارت می دادند. ⁵ اما فیلیپس به بلدی از سامره درآمد، ایشان را به مسیح موعظه می نمود. ⁶ و مردم به یکدل به سخنان فیلیپس گوش دادند، چون معجزاتی را که از او صادر می گشت، می شنیدند و می دیدند، ⁷ زیرا که ارواح پلید از بسیاری که داشتند نعره زده، بیرون می شدند و مفلوجان و لنگان بسیار شفا می یافتند. ⁸ و شادی عظیم در آن شهر روی نمود.

⁹ اما مردی شمعون نام قبل از آن در آن قریه بود که جادوگری می نمود و اهل سامره را متحیر می ساخت و خود را شخصی بزرگ می نمود، ¹⁰ به حدی که خرد و بزرگ گوش داده، می گفتند: این است قوت عظیم خدا. ¹¹ و بدو گوش دادند از آنرو که مدت مدیدی بود از جادوگری او متحیر می شدند. ¹² لیکن چون به بشارت فیلیپس که به ملکوت خدا و نام عیسی مسیح می داد، ایمان آوردند، مردان و زنان تعمید یافتند. ¹³ و شمعون نیز خود ایمان آورد و چون تعمید یافت همواره با فیلیپس می بود و از دیدن آیات و قوت عظیمه که از او ظاهر می شد، در حیرت افتاد.

¹⁴ اما رسولان که در اورشلیم بودند، چون شنیدند که اهل سامره کلام خدا را پذیرفته اند، بطرس و یوحنا را نزد ایشان فرستادند. ¹⁵ و ایشان آمده، بجهت ایشان دعا کردند تا روح القدس را بیابند، ¹⁶ زیرا که هنوز بر هیچ کس از ایشان نازل نشده بود که به نام خداوند عیسی تعمید یافته بودند و بس. ¹⁷ پس دستها بر ایشان گذارده، روح القدس را یافتند. ¹⁸ اما شمعون چون دید که محض گذاردن دستهای رسولان روح القدس عطا می شود، مبلغی پیش ایشان آورده، ¹⁹ گفت: مرا نیز این

اصطهاد الكنيسة في اورشليم

¹ وَكَانَ شَاوُلُ رَاضِيًا بِقَتْلِهِ. وَحَدَّثَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ اصْطِهَادًا عَظِيمًا عَلَى الْكَنِيسَةِ الَّتِي فِي أُورُشَلِيمَ. فَتَشَتَّتَ الْجَمِيعُ فِي كُورِ الْيَهُودِيَّةِ وَالسَّامِرَةِ مَا عَدَا الرُّسُلَ. ² وَحَمَلَ رَجُلٌ أُنْفِثَاءُ اسْتِيفَانُسَ وَعَمِلُوا عَلَيْهِ مَتَاحَةً عَظِيمَةً. ³ وَأَمَّا شَاوُلُ فَكَانَ يَسْطُو عَلَى الْكَنِيسَةِ، وَهُوَ يَدْخُلُ الْبُيُوتَ وَيَجُرُّ رَجُلًا وَنِسَاءً وَيُسَلِّمُهُمْ إِلَى السَّجْنِ.

فيلبس يكرز بالمسيح في السامرة

⁴ قَالِيزِينَ تَشَتَّتُوا جَالُوا مُبَشِّرِينَ بِالْكَلِمَةِ. ⁵ فَانْحَدَرَ فِيلِبُّسُ إِلَى مَدِينَةٍ مِنَ السَّامِرَةِ وَكَانَ يَكْرِزُ لَهُمُ بِالْمَسِيحِ. ⁶ وَكَانَ الْجُمُوعُ يَضْعَوْنَ نَفْسَ وَاحِدَةٍ إِلَى مَا يَقُولُهُ فِيلِبُّسُ عِنْدَ اسْتِمَاعِهِمْ وَتَطَرَهُمُ الْآيَاتُ الَّتِي صَنَعَهَا. ⁷ لِأَنَّ كَثِيرِينَ مِنَ الَّذِينَ بِهِمْ أَرْوَاحٌ نَجِسَةٌ كَانَتْ تَخْرُجُ صَارِحَةً بِصَوْتٍ عَظِيمٍ، وَكَثِيرُونَ مِنَ الْمَفْلُوجِينَ وَالْعُرْجِ شَفُوا. ⁸ فَكَانَ قَرَحٌ عَظِيمٌ فِي تِلْكَ الْمَدِينَةِ. ⁹ وَكَانَ قَبْلًا فِي الْمَدِينَةِ رَجُلٌ، اسْمُهُ سِيمُونُ، يَسْتَعْمِلُ السَّخَرَ وَيُذْهِشُ شَعْبَ السَّامِرَةِ قَائِلًا، إِنَّهُ شَيْءٌ عَظِيمٌ. ¹⁰ وَكَانَ الْجَمِيعُ يَنْبَعُوثُهُ مِنَ الصَّغِيرِ إِلَى الْكَبِيرِ قَائِلِينَ: هَذَا هُوَ قُوَّةُ اللَّهِ الْعَظِيمَةِ. ¹¹ وَكَانُوا يَنْبَعُوثُهُ لِكُونِهِمْ قَدْ انْدَهَشُوا رَمَانًا طَوِيلًا بِسِخْرِهِ. ¹² وَلَكِنْ لَمَّا صَدَّقُوا فِيلِبُّسَ وَهُوَ يُبَشِّرُ بِالْأُمُورِ الْمُخْتَصَّةِ بِمَلَكُوتِ اللَّهِ وَبِاسْمِ يَسُوعَ الْمَسِيحِ اعْتَمَدُوا رَجُلًا وَنِسَاءً. ¹³ وَسِيمُونُ أَيْضًا تَعَسُّهُ آمَنَ، وَلَمَّا اعْتَمَدَ كَانَ يُلَازِمُ فِيلِبُّسَ، وَإِذْ رَأَى آيَاتٍ وَقُوَّاتٍ عَظِيمَةً تُجْرَى انْدَهَشَ.

الرَّسُولان بطرس ويوحنا في السامرة

¹⁴ وَلَمَّا سَمِعَ الرُّسُلُ الَّذِينَ فِي أُورُشَلِيمَ أَنَّ السَّامِرَةَ قَدْ قَبِلَتْ كَلِمَةَ اللَّهِ، أَرْسَلُوا إِلَيْهِمْ بَطْرُسَ وَيُوحَنَّا، الَّذِينَ لَمَّا تَزَلَا صَلَاتًا لِأَجْلِهِمْ لِكَيْ يَقْبَلُوا الرُّوحَ الْقُدُسَ. ¹⁵ لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ قَدْ حَلَّ بَعْدَ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ، غَيْرَ أَنَّهُمْ كَانُوا مُعْتَمِدِينَ بِاسْمِ الرَّبِّ يَسُوعَ. ¹⁶ حِينَئِذٍ وَصَعَا الْآيَادِي عَلَيْهِمْ فَقَبِلُوا الرُّوحَ الْقُدُسَ. ¹⁷ وَلَمَّا رَأَى سِيمُونُ أَنَّهُ يَوْضَعُ أَيْدِي الرُّسُلِ يُعْطَى الرُّوحُ الْقُدُسُ قَدَّمَ لَهُمَا دَرَاهِمَ. ¹⁸ قَائِلًا: أَعْطِيَانِي أَنَا أَيْضًا هَذَا السُّلْطَانَ حَتَّى أَؤَيِّ مِنْ وَصَعْتُ عَلَيْهِ يَدَيَّ يَقْبَلُ الرُّوحَ الْقُدُسَ. ¹⁹ فَقَالَ لَهُ بَطْرُسُ: لَيْتَكَ فِضْكَ مَعَكَ لِلْهَلَاكِ لَأَنَّكَ طَنَنْتَ أَنْ تَقْتَنِي مَوْهَبَةَ اللَّهِ بِدَرَاهِمَ. ²⁰ لَيْسَ لَكَ نَصِيبٌ وَلَا قُرْعَةٌ فِي هَذَا الْأَمْرِ، لِأَنَّ قَلْبَكَ لَيْسَ مُسْتَقِيمًا أَمَامَ اللَّهِ. ²¹ قَتُبُ مِنْ

سَرَّكَ هَذَا وَاطْلُبْ إِلَى اللَّهِ عَسَى أَنْ يُعْقَرَ لَكَ فِكْرُ قَلْبِكَ.²³ لَا تَبْزِي أَرَاكَ فِي مَرَاتَةِ الْمُرِّ وَرِبَاطِ الطَّلْمِ.²⁴ فَأَجَابَ سِمْوُنُ وَقَالَ: ااطْلُبْنَا أَتَمَّا إِلَى الرَّبِّ مِنْ أَجْلِي لِكَيْ لَا يَأْتِيَ عَلَيَّ شَيْءٌ مِمَّا ذَكَرْتُمَا.²⁵ بَلْ إِنَّمَا بَعْدَ مَا شَهِدَا وَتَكَلَّمَا بِكَلِمَةِ الرَّبِّ، رَجَعَا إِلَى أُورُشَلِيمَ وَبَشَّرَا قُرَى كَثِيرَةً لِلسَّامِرِيِّينَ.

فيلبس يُعَمِّدُ الرَّجُلَ الْحَبَشِيَّ

²⁶ ثُمَّ إِنَّ مَلَكَ الرَّبِّ كَلَّمَ فِيلِبَّسَ قَائِلًا: قُمْ وَاهْبُتْ تَحَوِّ الْجَنُوبِ عَلَى الطَّرِيقِ الْمُتَحَدِّرَةِ مِنْ أُورُشَلِيمَ إِلَى غَزَّةَ الَّتِي هِيَ بَرْيَّةٌ.²⁷ فَقَامَ وَذَهَبَ، وَإِذَا رَجُلٌ حَبَشِيٌّ خَصِيٌّ وَزِيرٌ لِكَنْدَاكَةِ، مَلِكَةِ الْحَبَشَةِ، كَانَ عَلَى جَمِيعِ خَزَائِنِهَا فَهَذَا كَانَ قَدْ جَاءَ إِلَى أُورُشَلِيمَ لِيَسْجُدَ. وَكَانَ رَاجِعًا وَجَالِسًا عَلَى مَرْكَبَتِهِ وَهُوَ يَقْرَأُ النَّبِيَّ إِسْعْيَاءَ.²⁹ فَقَالَ الرُّوحُ لِفِيلِبَّسَ: تَقَدَّمْ وَرَافِقْ هَذِهِ الْمَرْكَبَةَ.³⁰ فَتَوَلَّى فِيلِبَّسٌ وَسَمِعَهُ يَقْرَأُ النَّبِيَّ إِسْعْيَاءَ فَقَالَ: أَلَعَلَّكَ تَفْهَمُ مَا أَنْتَ تَقْرَأُ؟³¹ فَقَالَ: كَيْفَ يُمَكِّنُنِي إِنْ لَمْ يُرَشِّدْنِي أَحَدٌ؟ وَاطْلُبْ إِلَى فِيلِبَّسَ أَنْ يَصْعَدَ وَيَجْلِسَ مَعَهُ.³² وَأَمَّا فَضْلُ الْكِتَابِ الَّذِي كَانَ يَقْرَأُهُ فَكَانَ هَذَا: "مِثْلَ سَائِ سَبَقَ إِلَى الدَّيْحِ وَمِثْلَ خُرُوفٍ صَامِتٍ أَمَامَ الَّذِي يَجْزُهُ هَكَذَا لَمْ يَفْتَحْ فَاهُ،³³ فِي تَوَاضُعِهِ انْتَرَعَ فَضَاؤُهُ، وَجِيلُهُ مِنْ يُخْبِرُ بِهِ؟ لِأَنَّ حَيَاتَهُ تُشْرِعُ مِنَ الْأَرْضِ." ³⁴ فَأَجَابَ الْحَصِيُّ فِيلِبَّسَ وَقَالَ: أَطْلُبُ إِلَيْكَ، عَنْ مَنْ يَقُولُ النَّبِيُّ هَذَا؟ عَنْ نَفْسِهِ أَمْ عَنْ وَاحِدٍ آخَرَ؟³⁵ فَفَتَحَ فِيلِبَّسُ فَاهُ وَابْتَدَأَ مِنْ هَذَا الْكِتَابِ فَبَشَّرَهُ بِيَسُوعَ.

³⁶ وَفِيمَا هُمَا سَائِرَانِ فِي الطَّرِيقِ أَقْبَلَا عَلَى مَاءٍ، فَقَالَ الْحَصِيُّ: هُوَذَا مَاءٌ، مَاذَا يَمْنَعُ أَنْ أَعْتَمِدَ؟³⁷ فَقَالَ فِيلِبَّسُ: إِنْ كُنْتَ تُؤْمِنُ مِنْ كُلِّ قَلْبِكَ يَجُوزُ. فَأَجَابَ وَقَالَ: أَنَا أُوْمِنُ أَنَّ يَسُوعَ الْمَسِيحَ هُوَ ابْنُ اللَّهِ. فَأَمَرَ أَنْ تَقِفَ الْمَرْكَبَةُ، فَتَزَلَا كِلَاهُمَا إِلَى الْمَاءِ، فِيلِبَّسُ وَالْحَصِيُّ، فَعَمَّدَهُ.³⁹ وَلَمَّا صَعِدَا مِنَ الْمَاءِ حَطَفَ رُوحُ الرَّبِّ فِيلِبَّسَ فَلَمْ يَبْصُرْهُ الْحَصِيُّ أَيْضًا، وَذَهَبَ فِي طَرِيقِهِ قَرَجًا.⁴⁰ وَأَمَّا فِيلِبَّسُ فَوَجَدَ فِي أَسْذُودَ، وَبَيَّتَمَا هُوَ مُجْتَازَ كَانَ يُبَشِّرُ جَمِيعَ الْمُدُنِ حَتَّى جَاءَ إِلَى قَيْصَرِيَّةَ.

قدرت دهید که به هر کس دست گذارم، روح القدس را بپايد.²⁰ پطرس بدو گفت: زرت با تو هلاک باد، چونکه پنداشتی که عطای خدا به زر حاصل می شود.²¹ تو را در این امر، قسمت و بهرهای نیست زیرا که دلت در حضور خدا راست نمی باشد.²² پس از این شرارت خود توبه کن و از خدا درخواست کن تا شاید این فکر دلت آرمزیده شود، زیرا که تو را می بینم در زهره تلخ و قید شرارت گرفتاری.²⁴ شمعون در جواب گفت: شما برای من به خداوند دعا کنید تا چیزی از آنچه گفتید بر من عارض نشود.²⁵ پس ارشاد نموده و به کلام خداوند تکلم کرده، به اورشلیم برگشتند و در بسیاری از بلدان اهل سامره بشارت دادند.

فیلپس تعمید داد خزانہ دار حبشی

²⁶ اما فرشته خداوند به فیلیپس خطاب کرده، گفت: برخیز و به جانب جنوب، به راهی که از اورشلیم به سوی غزه می رود که صحر است، روانه شو.²⁷ پس برخاسته، روانه شد که ناگاه شخصی حبشی که خواجه سرا و مقتدر نزد کُنداکه، ملکه حبش، و بر تمام خزانہ او مختار بود، به اورشلیم بجهت عبادت آمده بود،²⁸ و در مراجعت بر ارايه خود ننشسته، صحیفه اشعیای نبی را مطالعه می کند.²⁹ آنگاه روح به فیلیپس گفت: پیش برو و با آن ارايه همراه باش.³⁰ فیلیپس پیش دویده، شنید که اشعیای نبی را مطالعه می کند. گفت: آیا می فهمی آنچه را می خوانی؟³¹ گفت: چگونه می توانم؟ مگر آنکه کسی مرا هدایت کند. و از فیلیپس خواهش نمود که سوار شده، با او بنشیند.³² و فقرهای از کتاب که می خواند این بود که: مثل گوسفندی که به مذبح برند و چون بزهای خاموش نزد پشمبرنده خود، همچنین دهان خود را نمی گشاید.³³ در فروتنی او انصاف از او منقطع شد و نسپ او را که می تواند تقریر کرد؟ زیرا که حیات او از زمین برداشته می شود.³⁴ پس خواجه سرا به فیلیپس ملتفت شده، گفت: از تو سؤال می کنم که نبی این را درباره کی می گوید؟ درباره خود یا درباره کسی دیگر؟³⁵ آنگاه فیلیپس زبان خود را گشود و از آن نوشته شروع کرده، وی را به عیسی بشارت داد.

³⁶ و چون در عرض راه به آبی رسیدند، خواجه گفت: اینک، آب است! از تعمید یافتنم چه چیز مانع

می‌باشد؟³⁷ فیلیپس گفت: هر گاه به تمام دل ایمان آوردی، جایز است. او در جواب گفت: ایمان آوردم که عیسی مسیح پسر خداست.³⁸ پس حکم کرد تا ارايه را نگاه دارند و فیلیپس با خواجهسرا هر دو به آب فرود شدند. پس او را تعمید داد.³⁹ و چون از آب بالا آمدند، روح خداوند فیلیپس را برداشته، خواجهسرا دیگر او را نیافت زیرا که راه خود را به خوشی پیش گرفت.⁴⁰ اما فیلیپس در اشدود پیدا شد و در همه شهرها گشته بشارت می‌داد تا به قیصریه رسید.